

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

کمانچه نداف

تا کی سخن ز کرده اسلاف میزنی
اسلاف را که نامور و نامدار بود
آخلاف را که چشم به روی تو دوختند
مردم به ماه و مشتري و زهره پر کشید
ما خون دل ز دست تو بسیار میخوریم
گر ظاهراً ز جرعه می توبه کرده ای
سنگ است دل به سینه پر از کدورتت
دیدي که چاره تو به مرکز نمیشود
منظور توست منزلت و پول داشتن
از پول ناروا چو شود کیسه تو پُر
با هرکه روبرو شده ای لاف میزنی
چون پخته در کمانچه نداف میزنی
حرف خلاف وعده به اخلاف میزنی
تو حرف دیو و جن و پری، قاف میزنی
تو خود به بزم عیش، می صاف میزنی
مفت ار شود میسر، تاناف میزنی
گرچه گپ از مروّت و انصاف میزنی
خود را به کارداری اطراف میزنی
رشوت اگر نبود ز اوقاف میزنی
مغرور گشته حرف به اجحاف میزنی

در حرف تو «اسیر» دورنگی ندیده ایم

با هرکسی سخن به دل صاف میزنی

(فرانکفورت - دسمبر ۲۰۰۶ ع)